

"کنش‌های معنادار" و "پیامدهای نهان کسب حقوق" زنان قاجاری

زهره عطایی آشتیانی*

چکیده

سبک زندگی نتیجه انباشت تجربیات تاریخی یک قوم، یک ملت یا یک جامعه در لباس عرف، سنت و آئین است و این امر می‌تواند در قالب واکاوی علمی در اسناد، تجربیات، آداب و سنن اجتماعی مقاطع مختلف تاریخی مورد بررسی قرار گیرد. جایگاه حقوقی زنان در دوره قاجار از موضوعاتی است که متناوب برای دستیابی به سبک زندگی به آن پرداخته شده ولی هنوز بخش قابل ملاحظه‌ای از آن در سایه ابهام قرار دارد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با پردازش اسناد تاریخی و ادله موجود در عقدا نامه‌های دوره قاجار که دارای شرط ضمن عقد است به عنوان اسناد حقوقی تصویر متفاوتی از کنش‌های هدفمندبا استفاده از شرعیت که به واقعیات تاریخی نزدیک تر است، طرح شده ضمن آنکه از رابطه بسترهای ساختی با نوع خواست‌ها و نیازها زنان این دوره در زندگی فردی و اجتماعی آنان رمز گشایی شده است.

کلیدواژه‌ها: شرط ضمن عقد، نکاح نامه دوره قاجار، جامعه شناسی تاریخی زنان، سند پژوهی

۱. مقدمه

کنکاش علمی در حوزه‌های بین فرهنگی در قالب واکاوی در سبک زندگی، تجربیات، آداب و سنن اجتماعی مقاطع مختلف تاریخی، علاوه بر روشن نمودن زوایای

* استادیار مرکز اسناد فرهنگ آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، z.ataei@ihcs.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸

مبهم گذشته، برخوردهای سلیقه‌ای که منجر به قضاوت‌های نادرست در تاریخ‌نگاری می‌شود را سامان می‌دهد و مهمتر آنکه در باز تعریف مفاهیم برای احیای هویت ملی-تاریخی در برابر آشفته‌بازار اطلاعات سطحی و مطلق‌انگاری نقش قابل توجهی ایفا می‌کند.

چنانچه نگاه تاریخی به یک موضوع مطلق‌گرا شد و در کلیه موضوعات مبتلابه اجتماعی یک دوره تسری یافت باید با شک و احتیاط با آن مواجه گردید چرا که تجربه تاریخی نشان از وجود طیفی از مسائل به هم وابسته طی زمان و مکان دارد، شاید به همین دلیل است که مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی مسأله محور، بر اساس گزارشات و اسناد تاریخی به جا مانده و مرتبط هر دوره، رونق گرفته است.

در رابطه با هم بستگی عوامل تاریخی نظریه پردازان مطالعات جامعه‌شناسی چون وبر، پارسونز، والرشتاین، تیلی و اسکوکپول، معیارها و عناصر متفاوتی چون کنش اجتماعی، فرجام‌گرایی در کنش متقابل، روابط مبادله و غیره در زمینه جامعه‌شناسی تاریخی بر شمرده‌اند. به نظر می‌رسد ویژگی‌هایی که اسکوکپول در خصوص جامعه‌شناسی تاریخی معرفی می‌نماید از جامعیت قابل اعتنایی برخوردار است:

- "این مطالعات، سوالاتی را که در خصوص ساخت‌ها و فرایندها اجتماعی، به‌صورت‌پدیده‌های عینی و متحقق در زمان و مکان فهم می‌شوند، مطرح می‌کنند.
- این مطالعات فرایندهای فرازمان را مورد توجه قرار داده و رشته‌های گذرا و موقت را با هدف دست‌یابی به نتایج جدید تلقی می‌کنند.
- این مطالعات عمدتاً ارتباط متقابل میان کنش‌های معنی‌دار و هدفمند و بسترهای ساختی را به منظور معقول‌سازی پیامدها و نتایج مشهود کارکردهای آشکار و پنهان در زندگی فردی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند.
- این مطالعات جنبه‌های ویژه و متنوع انواع مشخصی از ساخت‌ها و الگوهای تغییر اجتماعی را برجسته و نمایان می‌سازند." (skocpol, theda, 1984)

از جمله موضوعات مطرح در تاریخ ایران که چندان هم به گذشته‌های دور و غیرقابل دسترس مربوط نمی‌شود جایگاه زنان در دوره قاجار است که با شدت و حدت قابل توجهی سیاه و تاریک ترسیم شده است؛ در دهه‌های اخیر تولیدات علمی در قالب کتاب، مقاله و یا محصولات رسانه‌ای فراوانی در موضوع منزلت و نقش زنان در دوره قاجار تهیه شده است، البته دلیل این امر موقعیت زمانی در این دوره است که مرحله گذار از سنت به

مدرنیسم در طول تاریخ ایران تلقی میشود، بنابراین مورد عنایت محققین و پژوهشگران نیز می‌باشد، ولی کمتر به شکل مجموعه‌ای به عوامل موثر در تغییرات تاریخی این دوره پرداخته شده و بیشتر بر حوادث و موضوعات مشخص به شکل بریده و انتزاعی نسبت به سایر عوامل فردی و اجتماعی آن روزگار تاکید شده است.

۲. پیشینه پژوهش

تا کنون برخی مجموعه‌داران خصوصی و همچنین موزه نگارستان بخش اندکی از نکاح نامه‌های این دوره را تنها گردآوری نموده‌اند و ۱۷ مقاله در خصوص عقد نامه‌ها تاریخی از زوایای مختلف تاریخی، هنری و استنساخ متون آن پرداخته‌اند، مقالات مذکور عبارتند از: سیری در قباله‌های ازدواج (۱۳۵۳)، یک قباله ازدواج گرانبها، سید محمود رستگار (۱۳۵۳)، یک طغری قباله ازدواج از دوره قاجار (۱۳۵۶)، قباله‌های نکاح، (۱۳۵۶)، ازدواج و بازتاب آن در قباله نویسی (۱۳۸۱)، راهکارهایی از شیوه پژوهش و نمایش آثار کاغذی تاریخی (عقدنامه‌های قاجار) (۱۳۸۰)، یک طغری سند ازدواج از دوره مظفرالدین شاه، (۱۳۵۷)، ارزش‌های نهفته در قباله‌های ازدواج (۱۳۸۳)، قباله‌های ازدواج سده‌های سیزدهم و چهاردهم هجری قمری (۲۵۳۵)، بازخوانی یک سند تاریخی از اواخر قرن ۱۲ ق (۱۳۸۱)، مهر در قباله‌های ازدواج دوره قاجار (۱۳۸۳)، سیری در قباله‌های ازدواج دوره قاجار (۱۳۸۴)، عقدنامه‌های ازدواج آیینی فرهنگ ادب و هنر ایران (۱۳۸۳)، معرفی یک قباله نامه ازدواج از دوره افشاریه (۱۳۸۸)، پژوهشی در قباله‌های ازدواج در دوره قاجاریه، رضا فراستی (سایت اینترنتی موسسه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز)، تجزیه و تحلیل محتوایی مهریه در عقد نامه‌های دوره ناصری (۱۳۹۷)، در ضرورت و شناخت اسناد تاریخی: واکاوی عقد نامه‌های عصر قاجار (۱۳۹۵)، همچنین دو کتاب در موضوع مورد نظر به چاپ رسیده است، کتابی با عنوان "نگرش به مهرنامه‌های عصر قاجار در بیرجند"، ۱۳۸۵ و کتاب دیگری با عنوان "پژوهشی در عقد نامه‌های ازدواج قاجار" ۱۳۹۵ منتشر شده است که نسبت به گردآوری‌های قبلی پر بارتر به توصیف متن و جنبه‌های هنری، آیات روایات عقد نامه‌ها پرداخته شده است و وجه تمایز این پژوهش تبیین اصطلاحات بکار رفته در این متون است. اما در هیچیک از این منابع به بررسی شروط ضمن عقد پرداخته نشده و حتی تحلیل محتوایی اسناد نیز مغفول مانده است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش، اسنادی و متکی بر اطلاعات موجود در اسناد همراه با طبقه‌بندی تطبیقی ساختار و محتوای نکاح‌نامه هاست که جنبه‌های مختلف آن در این نوشتار بررسی شده است. همچنین برای اطلاع از اوضاع اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره قاجار از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۱.۳ مرحله اول

روش پژوهش مرحله اول طرح کتابخانه‌ای و دارای مراحل ذیل است:

- جمع‌آوری، نسخه‌برداری از اسناد خطی (نکاح‌نامه‌ها)، این قسمت از تحقیق با دلیل عدم تمرکز اسناد با مشکلات متعددی مواجه بوده البته همکاری و یاری برخی مراکز اسناد دولتی و مجموعه‌داران خصوصی از جمله مراکز چونمرکز اسناد آستان قدس، مجمع ذخائر اسلامی، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، موزه ملک، کتابخانه موزه گلستان، کتابخانه و موزه وزیری یزد، موزه خصوصی دکتر محفوظی، موسسه مطالعات تاریخ معاصر، مرکز اسناد آیت الله مرعشی، گنجینه نسخ خطی دانشگاه اصفهان، اسناد مجموعه دکتر خرمی،... راهگشا بود.

مطالعه تطبیقی اسناد با دوره‌های مختلف زمانی و مکانی، عدم طبقه‌بندی اسناد نیاز به بررسی در خصوص اصالت هر یک را الزامی می‌نمود لذا پس از جداسازی نکاح‌نامه‌های حاوی شرط ضمن عقد، منشاء اخذ قباله‌ها تا حد امکان مورد دقت قرار گرفت.

۲.۳ مرحله دوم: روش پژوهش نظری

- طبقه‌بندی شروط ضمن عقد به لحاظ «مشخصات»، «موضوع»، «هدف»
- استنساخ اسناد و طبقه‌بندی شروط با شاخص‌های یاد شده

۴. سوالات پژوهش

در تاریخنگاری دوره قاجار تصاویر متعدد و حتی گاه متناقض از زنان چه به لحاظ فردی و چه اجتماعی به صورت انتزاعی ترسیم شده است، گاهی مقتدر و صاحب اراده اختیار در امور اجتماعی در بالاترین جایگاه و گاهی منزوی، وابسته و بی اختیار و محکوم به اطاعت از پدر، همسر و یا... در چار چوب زندگی فردی و خانوادگی و محروم از حقوق اجتماعی. حد فاصل این دو نظرگاه، سبک و روش زندگی واقعی عموم زنان با مجموعه‌ای از تلقی‌ها، ارزش‌ها، سلاط و کنش و واکنش‌هایی در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی است که مغفول مانده است.

یکی از حوزه‌های مهم مطالعه سبک زندگی بررسی حقوق خانواده به عنوان مهم‌ترین ساختار اجتماعی است که دارای فرایند شکل‌گیری مشترکی در جوامع مختلف است و نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات طبیعی و تداوم فرهنگی جامعه انسانی دارد، از یک سو "خانواده پایه اساسی و سازنده مهم‌ترین ساخت اجتماعی است که خصوصیات کلیه نظام‌های دیگر اجتماع را دارد. رفتار افراد انعکاس نقشی است که در خانواده آموخته‌اند، بنابراین، نمونه‌والگوی رفتار در سایر بخش‌های جامعه خواهد بود، از درون خانواده اجتماعی شدن با انتقال سنن فرهنگی جریان پیدا میکند." (Goode, William J., 1989)، واز سوی دیگر "از آنجا که جریان همسرگزینی به بازاری شبیه است که در جوامع مختلف متفاوت و وابسته به قواعد مبادله در همان محیط است" (همان)، لذا در فرایند شکل‌گیری خانواده تحرک اجتماعی افراد با کلیه تفاوت‌های طبقاتی، جنسیتی، نژادی،... همواره در جهت پی دستیابی به سازکارهای متفاوتی برای ارتقاء جایگاه درون ساختاری و برون ساختاری است.

لذا براساس نظر اسکوکپول در فرایند تشکیل خانواده و ساختارهای متناسب به آن به صورت یک پدیده عینی این سوالات قابل طرح است:

- آیا چهره زن در دوره قاجار با استناد به نقل قول‌ها و سفرنامه و رویدادها به شکلی واقع‌گرایانه ترسیم شده است؟
- آیا کنش‌های معنا دار و هدفمند زنان پیامدهای آشکار و پنهانی در جایگاه زنان این دوره داشته است؟

برای پاسخ به سوالات مطرح شده یکی از اسناد حقوقی و قضایی مربوط به نهاد خانواده، یعنی قبالة ازدواج، با رویکرد اجتماعی و فرهنگی نسبت به زنان آن دوره بازخوانی شود و راهکارهای عملی برای دستیابی به مطالبات آنان از طریق اعمال شرط ضمن عقد در متن سند حقوقی نکاح نامه‌ها را تبیین و فراوانی آن را بازنمایی گردد.

۵. بسترهای ساختی تاریخ زنان قاجار

تاریخ‌نگاری گذشته‌های دور علی‌رغم تکیه بر آثارباستان‌شناسی، در فضای مبهمی شکل گرفته است، بخصوص هنگامی که سخن از جنسیت به میان می‌آید سرگذشت زنان در برهه‌های مختلف زمانی پنهان است. وضعیت زنان در تمامی تاریخ ایران دارای نوسانات خطی و یکنواخت نبوده بلکه اوج و فرودهای متناوب موجب شده است و در هر دوره‌ای بر اساس مقتضات زمان، مکان و مقدرات، راهکارهای متناسب را برای حضور اجتماعی و حقوقی به عنوان شخصیت مستقل و مؤثر، باز تولید شده است. ولی فرایندهای تولید شده در گذر زمان به دلایل مختلف از جمله عدم بررسی اسناد اصیل و مکتوب در یک بازه طولانی مدت و پیوسته، دیده نشده است لذا جایگاه و ساختارهای مرتبط با زنان دوره قاجار واقع‌گرایانه تصویر نشده‌است، از عوامل مؤثر دیگری که در این موضوع نقش داشته اند، عبارتند از:

- در دوره معاصر، مبانی فکری نظریه پردازان جنسیت در حوزه مطالعات تاریخ شرق بخصوص در ایران بی‌تأثیر نبوده است. همین امر موجب شده تا در دوره معاصر بجای قضاوت‌های علمی و تحلیلی گرایش‌های مختلف، حکم به محکومیت "ماهیت تاریخ" قشرها، طبقه‌های اجتماعی، نژاد و ... به خصوص جنسیت داده شود، به عنوان نمونه، براساس برخی نظرات، «تاریخ مذکر» رخ و حضور زنان را پوشانده و حقانیت تاریخ‌نگاری به چالش کشیده تا جایی که بنا به تعریف آرای زنانه محور روند تاریخی، تبیین رابطه «کارگزار- کار و کارفرما» است. (فریدمن، جین، ۱۳۸۱) ویا «بر هر آنچه تاکنون مردان درباره زنان نوشته‌اند، باید شک کرد، که مردان همواره، هم داورند و هم همکار». (دوبوار، سیمون ۱۳۵۳: ۱۴) این دیدگاه‌ها فارغ از تمایز، اقتضائات، توانمندی‌های طبیعی، شرایط و متن تاریخی و فراگشت تبادل «فردیت» به

«شخصیت»، اختلاف در سرشت مسئولیت‌های زن و مرد، در جوامع مختلف را نادیده گرفته و قضاوت گذشتگان را به کلی رد کرده‌اند.

- بسیاری از آثاری که مبنای گزارشات تاریخی قرار گرفته به واسطه تدبیر صاحبان قدرت و ثروت و امکانات از وجه ماندگاری بیشتری نسبت به آثار مرتبط با عموم مردم است لذا منشاء گزارشات بیشتر خواص جوامع است و سبک زندگی عموم مردم بالاخص زنان در تاریخ ایران تقریباً به فراموشی سپرده شده است. لذا برداشت‌های ناقص و بعضاً متضاد با واقعیت در موضوع جایگاه زن ایرانی سایه انداخته و همین امر موجب شده تا ظرفیت‌های زنان در ایران دیده نشود چرا که، نحوه زندگی گروه‌های خاص از زنان به کلیه زنان هر دوره تعمیم و نتایج بر اساس سلیقه تاریخ نگاران اشاعه داده شده است.

- الویت موضوعات در آثار مکتوب زنان اعم از ، سفرنامه ، خاطرات ، نامه و کتاب این دوره از تلاش زنان طبقات بالای اجتماعی جهت طرح نیازهای فردی حکایت دارد و کمتر چالش جنسیتی در آن به چشم می خورد. محتوای آثار به خصوص در قالب روزنامه پس از مشروطه سمت و سوی اجتماعی گرفته و به تدریج به طرح سوال و یافتن علل و عواملی که موجب عقب ماندگی و متهم نمودن نظام مردانه شده پرداخته است.

از عهد ناصری تا پایان قاجار نگاه به جایگاه زنان در مکتوبات بیش از آنکه به مظالم ناشی از استبداد سیاسی معطوف شده باشد به جدال و چالش جنسیتی و قطبی نمودن جامعه به مرد ظالم و زن مظلوم، معطوف شده است از جمله در نشریاتی چون جمعیت نسوان وطنخواه (محترم اسکندریدختر شاهزاده علیخان) و یا نشریه عالم نسوان (فارغ التحصیلان مدرسه دخترانه آمریکایی بیت ئیل). به خصوص این امر در نوشتار طبقه اجتماعی نزدیک به مراکز قدرت ، تجلی بیشتری دارد .

۶. کنش‌های معنا دار زنان در اسناد حقوقی

برای دستیابی به نتایج مستدل در موضوعات تاریخی و افزایش ضریب قطعیت یافته‌ها، لزوم بکارگیری منابع و آثار با اصالت ضروری است ، با مروری بر منابع و مآخذی که

برای تدوین و استنادات تاریخی به کار می‌روند به پنج گروه بیش از سایر منابع اشاره شده است :

منابع ذهنی و نقلی که شرح مسموعات، مشاهدات و خاطرات اشخاص اند، منابع باستان‌شناسی، منابع تصویری و ترسیمی، منابع کتبی شامل متون هستند - چون به دفعات و بوسیله کتاب متعدد که اغلب هم کم‌سواد و ناوارد بوده‌اند برای استفاده جای شک جای تردید و شک دارد- مدارک آرشیوی (اسناد تاریخی) با دو گونه دارای ارزش اداری و تحقیقی (فائم مقامی، جهانگیر، ۱۳۵۰)

با پیشرفت فن‌آوری و ابزارهای دقیق جهت بازیابی و استخراج مفاهیم نهفته و دست نیافته از اسناد و آثار به‌جا مانده از گذشته، زمینه دسترسی محققین برای شناخت موضوعات مختلف از جمله طرزرفتار، بینش و انگیزه‌افراد، قشرها و طبقات مختلف نسبت به یکدیگر، برای برداشت‌های علمی متقن و دقیق اسناد تاریخی فراهم آمده است. در این میان مدارک آرشیوی به دو دلیل نقش پررنگ‌تر و قابل اعتمادتری نسبت به سایر منابع ایفا می‌نمایند:

- این اسناد و مدارک محصول عملکرد ساختارهای اجتماعی‌اند و کمتر به اغراض فردی و ملاحظه‌کاری بر پایه سلائق گروهی آمیخته شده است.
- تعدد اسناد نسبت به سایر منابع در یک موضوع، بررسی طی یک دوره ممتد تاریخی چگونگی تکوین ساختارها، نهادها و حتی ایجاد برخی رفتارها و گرایش‌ها جامعه را میسر می‌نماید.

از جمله اسناد آرشیوی که تحقیق حاضر برای بررسی و استخراج مفاهیم حقوقی از آن بهره برداری نموده است نکاح نامه‌های دوره قاجار است، تا رویکرد اجتماعی و فرهنگی آن دوره را نسبت به زنان بازخوانی نموده و راهکارهای عملی برای دستیابی به مطالبات آنان از طریق اعمال شرط ضمن عقد در متن سند حقوقی نکاح نامه‌ها را تبیین نماید.

۷. مفاهیم تحقیق

شرط ضمن عقد به عنوان قراردادی که ضامن بسیاری از آزادی‌های حقوقی زنان و به نوعی مهر تاییدی بر کنش معنا دار و کاربردی در زمینه حقوق زنان بوده، در دوره قاجار کمتر مورد توجه قرار گرفته است، البته جستجو در یافتن نکاح نامه‌های دارای شرط ضمن عقد

در ظرف زمانی صد و سی ساله قاجار دارای نوسانات کمی بود و در بازه های زمانی دوره زمامداری هر یک از پادشاهان قاجار تعداد متفاوتی از قباله های دارای ضمن عقد یافت شد علی ایحال این مدت طولانی تصویری واضح از تلاش زنان برای استفاده از باورها، نهادها و چهارچوب هایی که مورد پذیرش عموم است، برای تحقق خواست ها و نیازهایشان، به نمایش می گذارد، همچنین تردیدهایی جدی در خصوص وضعیت زنان در تاریخ نگاری قاجار را به ذهن متبادر می نماید.

به نظر می رسد مسایل مستحدثه اجتماعی، موجب ایجاد پرسش به لحاظ فقهی از علمای شیعه در دوره قاجار در موضوع شرط ضمن عقد را فراهم آورده است و با توجه به تغییراتی که در رویکرد فقه شیعه و گرایش از اخباری گری و تصوف در دوره صفوی، با آغاز دوره قاجار ایجاد شد، گرایش به سمت فقه استدلالی و ایجاد نیازهای جدید گروه های اجتماعی در زمینه روشن شدن تکالیف شرعی در حوزه های مختلف به خصوص بخش معاملات، توجه عموم را به سوی روشن نمودن زوایای تاریک برخی از احکام جلب نمود، البته شایان ذکر است که آموزش در سطوح بالاتر از مکتب خانه در مدارس علمیه صورت می گرفت با افزایش مبتلا به های عمومی وجود گره های فقهی، طرح مشکلات روزمره از جمله مسائل مرتبط با حقوق حاصل از ازدواج برای طرفین، در مساجد و مدارس به شکل عمومی مطرح شده و جماعتی در معرض آن قرار می گرفتند از جمله می توان به نمونه آرای فقهی علامه محمد حسین کاشف الغطاء (۱۲۹۴-۱۳۷۳ ق) از مراجع صاحب نام شیعه در دوره اشاره نمود. آرای فقهی، فتوای او، در باب صحت ازدواج دائم با زنان اهل کتاب است؛ در حالی که دیگر فقهای شیعه تنها ازدواج موقت را با آنان مجاز می دانستند و سید ابوالحسن اصفهانی در اواخر حیاتش، نظر کاشف الغطاء را پذیرفت.

وی نخستین مجتهدی است که حق طلاق زنی را که شوهرش به بیماری سل مبتلا شده، به خود آن زن سپرده و معتقد است، چنین زنی می تواند بدون جلب موافقت شوهر طلاق بگیرد؛ در حالی که طلاق، شرعاً حق مرد است. به نظر می رسد که کاشف الغطاء این حکم شرعی را با استناد به اصل عدم حرج که مستند به آیه «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» [۱۰] استحصال و استنباط کرده است. براساس این قاعده اصولی، هر حکم شرعی زمانی که دشواری و سختی شدیدی را به همراه داشته باشد، اعتبارش را از دست می دهد. کار فقیه این است که میان حکم شرعی اولیه که انحصار حق طلاق برای مرد است و وضعیت دشوار (حرج) که اجبار زن به زندگی با شوهر مسلولش و گرفتاری او و

فرزندانش به این ویروس است، توازنی دقیق برقرار کند. کاشف‌الغطاء در این مورد حکم به مقدم بودن قاعده حرج بر قاعده اولیه به عنوان یک استثناء داده است. (پگاه حوزه، ۱۳۸۶)

نتیجه چنین مواجهه‌ای به کارگیری احکام در زندگی روزمره، معاملات، خانواده، کسب حقوق شرعی و ... برای عموم است، که در این زمینه افزایش تعداد نکاح نامه‌های دارای شرط ضمن عقد به خصوص از دوره ناصری به بعد کاملاً عیان است و نشانه استفاده از سازوکارهای موجود در موقعیت‌های واقعی از سوی اقشار مختلف از جمله زنان دوره قاجار دارد.

تغییرات زمان و تاثیر اقتدار رویکرد فقه استدلالی در به وجود آمدن نظرات و عملکرد مترقی از - جمله وفای به شروط که پیش از این دوره نیز معتبر بوده - تاثیر مشهودی داشته است. با این حال با بررسی عقدنامه‌ها به نظر می‌رسد که زنان از همین فضای موجود به خوبی استفاده کرده و تا حد امکان خواسته‌های خود را ذکر می‌کرده‌اند. همین تلاش‌ها و درخواست‌های جامعه بوده که باعث شده در دوره بعدی فقها نظرات جدیدتری بیان کنند و بسیاری از مسائل به صورت حقوق عادی و طبیعی بانوان درآید.

شرط ضمن عقد یکی از مشخصه‌هایی است که برخی از نکاح‌نامه‌های این دوره را از سایر قباله‌های ازدواج متمایز می‌کند و زمینه‌ساز انقلابی بر سیر فکری زنان این دوره برای کسب حقوق به صورت مکتوب و الزام آور است این شرط علاوه بر آنکه دارای مفهوم و بار قانونی و حقوقی برای زن و مرد از زاویه دین دارد و در عرف و مناسک نیز اگرچه در طول سالیان به ندرت شناخته و اعمال شده اما مقبولیت عمومی را به همراه دارد.

شرط ضمن عقد، پیمان و عهدی است که موجب الزام یک طرف به موضوعی است که طرف مقابل خواهان آن است و معمولاً پیش از عقد طرفین در مورد آن موضوع به توافق رسیده‌اند. شرط واژه‌ای عربی است و جمع آن شروط و اشراط است. شرط در لغت به معنای علامت، عهد، پیمان و تعلیق چیزی به چیز دیگر را گویند و همچنین در معنای شرط آمده است (الزام الشیء و التزامه فی البیع) الزام کردن به چیزی و ملتزم شدن به آن را در بیع شرط گویند (الزبیدی، ۱۴۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، الاصفهانی، الراغب، ۱۴۲۷)

معیارهای صحت شرط ضمن عقد عبارتند از: قدرت بر وفای به شرط، مشروعیت شرط، شرط، مخالف کتاب و سنت نباشد، شرط وجود غرض عقلایی، شرط مخالف عقد نباشد، شرط باید معلوم باشد، ذکر شرط در ضمن عقد... (الشیخ الطوسی، ۱۴۱۲، الشیخ الصدوق، ۱۴۰۴)

بررسی چنین مشخصه‌ای برای دوره‌ای که بسیاری از تاریخ‌نگاران وضعیت زنان را در آن بسیار تاریک توصیف می‌کنند می‌تواند کورسویی برای روشن شدن برخی وجوه واقعیت‌ها باشد.

۸. تفاوت رویکردها در طبقات اجتماعی زنان در دوره قاجار

صد و سی سال حکومت دوره قاجار، از دو وجه نسبت به گذشته اهمیت دارد اول آنکه همواره با عصیان‌ها، بحران‌ها و شورش‌های داخلی دست و پنجه نرم می‌کرد، دوم با مسائل مهم عصر، مانند استثمار کشورهای عقب‌مانده‌خاوری از طرف باختریان، وقوع انقلاب‌های دوران‌ساز اروپایی (انقلاب صنعتی انگلستان، انقلاب بورژوازی فرانسه و انقلاب سوسیالیستی روسیه)، آغاز سرمایه‌داری، تجددگرایی، تحولات گسترده و عمیق فرهنگی و... نیز روبه‌رو بود که آنها را به دادن تغییراتی ژرف در چهره و سرشت جامعه ایران ناگزیر کرد، تا آنکه انقلاب مشروطیت به سال ۱۲۸۵ خورشیدی، زمینه‌فتور و حتی موجبات سقوط داربست فرمانروایی آنان به سال ۱۳۰۴ خورشیدی فراهم آورد. (ناهد، عبدالحسین، ۱۳۶۰)

البته به لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منشأ ایجاد بسترهای دوگانه فکری نیز شد و با کشمکش‌هایی بین فرهنگ تجددگرای اروپا که با قواعد و مبانی خاص خود از یک طرف و "فرهنگی مبتلا" و سنتها از طرف دیگر مواجه شد. این امر بررسی وضعیت واقعی عموم زنان در دوره قاجار به دلایل متعدد با مشکلاتی مواجه است:

- اکثر منابع این دوره به تک‌نگاری‌هایی اختصاص دارد که درخصوص آداب و وقایع «دربار» نگاشته شده است و غالباً درباره عموم زنان سکوت کرده‌اند و حداکثر به طور پراکنده اشاراتی داشته‌اند و بیشتر به وضعیت زنان در حرمسرا و مصائب ناشی از حسادت، بخل و تبعیض و عقب‌ماندگی فکری و رفتاری پرداخته‌اند. درحالی‌که بر اساس اسناد و بررسی برخی حوادث این دوران، زنان در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اگرچه پشت‌صحنه، منشأ اثر بودند و حتی در برخی از مهمترین جنبش‌ها و تحولات مانند بلوای نان، حادثه قتل گریبایدوف و انقلاب مشروطه زنان پیشگام بودند.

- از دیگر منابع مکتوب که در موضوع وضعیت زنان مورد بهره برداری قرار می‌گیرد سفرنامه‌ها و یا تک‌نگاری افراد غیر ایرانی است که نگاه فرهنگی متفاوتی نسبت به زندگی مردم دارند، لذا به نوعی با رویکرد جانب‌گرایانه گزارشاتی همراه با قضاوت تدوین نموده‌اند. همین امر موجب شده تا بسیاری از ابعاد زیست زنان این دوره مهجور ماند. بر اساس برخی از این منابع، زنان از احراز حقوق پیش پا افتاده خود نیز محروم بوده و در میان طبقات مختلف با اندک تفاوتی، این قشر تحت اختیار خانواده و بیشتر زمان خود را در خانه و حرمسرا به سر می‌بردند، بنابراین از نگاه نویسندگان آشنا به فرهنگ این سرزمین اثرگذاری و اثرپذیری زنان از جهان بیرون چشمگیر و محسوس نبود، از جمله می‌توان به خاطرات لیدی شل، سفرنامه‌های کلارا سرنا و هنریش بروگش اشاره نمود.

- تعداد اندکی از منابع، علیرغم تأکید بر نگرش مرد محور در جامعه قاجار، زنان ایرانی را در حد امکان و به نسبت اطلاع خود با توجه به حوادثی که در دنیا در حال وقوع بود، به عنوان عوامل اثرآفرین معرفی شده‌اند از این منابع مرد نگار می‌توان از خیرات حسان توسط محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تذکره نقل مجلس نوشته محمود میرزا نواده فتح‌الیشاه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه نوشته محمدحسن صنیع الدوله اشاره کرد.

تحولات ابزاری در این عصر از تولید محدود به سمت تولیدات انبوه در جوامع اروپایی در شرف پیشرفت بود و همزمان تغییر نگرش زنان و مردان در سراسر دنیا را به همراه داشت. برخی منابع با دیدگاه تحلیلی این دوره تاریخی را مکتوب نموده‌اند و دلیل اصلی جذب و آگاهی زنان ایرانی به آزادی، تمایل به احراز حقوق حقه هویت اصیل خود، راه‌های بیشمار جهانگردان و انتقال اندیشه‌هایشان، برقراری روابط با کشورهای پیشرفته، گشایش مدارس میسیونری فرنگی، نگارش و چاپ کتب متنوع، رفت و آمد زنان اشراف و خانواده‌های درباری با زنان سفرا، نوشته‌های متفکران و روشنفکران همچون میرزا ملکم خان و فتحعلی آخوندزاده در انتقاد از وضع موجود، عنوان کرده‌اند و یا تحولی را که پس از مشروطه درخصوص انتشار روزنامه و نشریه بوجود آمد و به زنان مجال انعکاس عقاید خود را داد، از عوامل مهم در آگاهی زنان به حقوق خود در این عصر دانسته‌اند.

به طور کلی در منابع تاریخی دوره قاجار، مجموعه‌ای از تناقضات اسنادی در موضوع حقوق، آگاهی، تعلق اجتماعی،... زنان وجود دارد.

بطور کلی به جهت سلوک و منش دو گروه از زنان که بازیگران اصلی صحنه اجتماعی ایران بودند:

گروه اول خواص، نخبگان و صاحبان مقتدر در عرصه سیاسی و اقتصادی از جمله مادر، دختران و همسران شاه و نزدیکان دربار است و تحرکات و تحریکات آنان در اوضاع درونی حرمسرا و یا برخی امور اجتماعی تاثیرگذار بوده است. ولی وسعت سهم اثرگذاری عملکرد ایشان همواره با نوسان مواجه بوده و به نسبت مقاصد و اهداف متفاوتی که در امور داخلی و اجتماعی آن روزگار داشتند حضوری متغیر داشته و با تکیه بر دو عامل در اهداف خود پیشبردهایی داشتند:

۱. توانایی‌های فردی و طبقه اجتماعی برآمده از آن
۲. میزان علقه و اعتماد قدرت سیاسی حاکم یعنی شاه به هریک از ایشان

آغاباجی که از شدت تکبر مبدا سر مویی خلاف ادب از کسی واقع شود غالباً در قصر احداثی خود در امامزاده قاسم و بعد قم را به او دادند زیاده بر دویست نفر عملجات شخصی او که از قره باغ آورده بود ... مبلغی از مالیات قم به آنها مرحمت شد (عضدالدوله، احمد میرزا ۱۳۷۵)

و یا تاج‌الدوله که "دستگاهی جداگانه از حرمخانه داشت از فراشخانه و اصطبل و صندوق‌خانه و غیره" (عضدالدوله، احمد میرزا ۱۳۷۵). در واقع میل به اقتدارگرایی در این گروه به گونه‌ای بود که موازی و همتراز با شاه برای خود "اسم و رسم و شئونات علیحده" داشتند تا جایی که با هم‌ترازان خارجی خود، علیرغم آنکه چندان مرسوم نبود مکاتبه داشتند:

حضرت خاقان مکرر نوشتجات و تعارفات از جانب آغاباجی برای امپراطریسهای دول متحابه می‌فرستاد و از جانب آنان نیز برای آغاباجی تعارفات و نوشتجات می‌آمد. از جمله یک عنبرچه مرصع که تخمه آن زمرد... داشت برای آغاباجی از جانب امپراطریسهای انگلستان اهدا شد. (عضدالدوله، احمد میرزا ۱۳۷۵).

نمونه مشهور دیگر، مداخله سیاسی انیس‌الدوله با عریضه‌ای مبنی بر منع صدور حکم ناصرالدین شاه درباره رکن‌الدوله، حاکم شیراز بود که مورد موافقت شاه واقع شد (هدایت، میرزا تقی، ۱۳۴۴).

بخشی دیگر از این گروه به واسطه تأثیرات فرهنگی و اخلاقی منشا اثر در جامعه بودند:

سنبل خانم در حرمخانه مبارکه منشا آثار بزرگی بود. او واسطه عرایض مردم به حضور خاقانی می‌شد... مکرر عریضه رعایای خمسه که از شعاع السلطنه، پسر خودش تظلم می‌کردند به حضرت خاقانی می‌داد و می‌گفت نمی‌خواهم کسی مظلوم واقع شود و از شاه عالم پناه شکایت نماید اگرچه پسر خودم مصدر ظلم باشد، باید معزول شود (عضدالدوله، احمد میرزا ۱۳۷۵).

دختر دیگر شاه، زبیده خانم، دختر ماه‌آفرین خانم

اسباب تجمل ظاهری را مایل نبود ولی بذل و بخشش باطنی که احدی نداند ... بسیار داشتند ... کمتر سائلی را محروم گذاشته‌اند. از منافع و املاک و مقرری خود همه‌ساله مقداری برای مخارج شخصی می‌گذارد و بقیه به مصرف انعام و اطعام فقرا و ایتم می‌رسید (عضدالدوله، احمد میرزا ۱۳۷۵).

این گروه به علت ویژگیهای فردی چون گشاده‌دستی در میان طبقات مختلف چون علما، به عنوان معتمدین مردم جهت دادخواهی و یا حمایت مالی شناخته شده و مورد اکرام ایشان بودند. نمونه دیگر ضیاء السلطنه دختر فتحعلیشاه بود که به واسطه رازداریش مورد اعتماد و علاقه او بود و پس از آنکه مرگ عباس میرزا را به اطلاع شاه رساندند "او سه شبانه‌روز در نمازخانه به خلوت نشست و هیچکس را جز آخوند طالقانی، حاجیه استاد، که سمت جده ایلخانی را داشت و ضیاء السلطنه را برای بعضی نوشتجات همچنین بلکه زنانی که به‌عنوان پرچمداران نهضت‌های حقوق و آزادی زنان از آنان یاد می‌شود نیز از همین طبقه نخبگان و خواص بودند، خانم‌ها: محترم اسکندری، مستوره افشار، صدیقه دولت‌آبادی، دکتر فاطمه سیاح، صفیه فیروز، مهرانگیز دولت‌شاهی و شمس‌الملوک جواهر کلام، عصمت‌الملوک دولت‌آبادی، قدسیه حجازی و... (بامداد، ۱۳۴۷) نیز به علت اقتدار سیاسی پدران و همسران خود و فراهم آمدن امکان تحصیل در خارج از کشور و یا کسب تجربیات و یافته‌های خود در راه پیشرفت زنان و تغییر در سبک زندگی عموم زنان ایرانی البته با شاخصه‌هایی که در اروپا آموخته بودند، گام‌هایی برداشتند.

گروه دوم عموم زنان هستند که نحوه زندگی خانوادگی و فردی آنان چندان مستند نشده است ولی در وقایع کلان اجتماعی از پتانسیل بالقوه آنان استفاده شده و یا خود به

علت آگاهی و درک از اوضاع و احوال اجتماعی - سیاسی در قلمرو قدرت مداخله می‌نمودند.

البته به دلایل مختلف از جمله نفوذ سیاسی، مستندات دقیق‌تری در خصوص گروه اول، وجود دارد و فعالیت‌های گروه دوم یا عموم زنان را بیشتر باید در قالب گنجینه‌هایی از آداب و مناسک و یا بروز فعالیت‌های گروهی جستجو کرد. البته شکل و نحوه اثرگذاری آنان ماهیتاً با گروه اول متفاوت بوده است:

- اگرچه اهمیت گروه خواص که بخش مهمی از آن محصول امکاناتی بود که به علت شرایط خاص اجتماعی آنها مهیا شده بود و بخشی از آن برخاسته از دغدغه‌های ایشان نباید نادیده گرفته شود اما زنان نیز در بازآفرینی مفاهیم جدید بر اساس مختصات و ویژگی‌های جامعه خود دخیل بوده و در بسیاری از تحرکات اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند از جمله می‌توان به "بلوای نان" اشاره کرد که در این دوره چندبار شکل گرفت، به گونه‌ای که برخی مورخان زنان را پیش‌قراول اعتراضات اجتماعی در ایران دوره قاجار می‌دانند.

سفیر پروس در کتاب خاطرات خود "سفری به دربار سلطان صاحبقران" حضور اعتراضی زنان ایران را به مسئله نان مختص نمی‌داند و معتقد است که زنان حضوری اساسی در شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی داشته‌اند (بروگش، هنریش، ۱۳۷۳)

در حالی که در گروه دوم یعنی عموم زنان نوعی اصلاح درون‌ساختاری و استفاده از اهرم‌هایی در ساختارهای موجود جامعه است، بینش عموم زنان این عصر دارای وجهه‌ای اخلاقی است که از مجاری مذهبی تغذیه می‌شود، لذا متهم ناهنجاری در احقاق حقوق زنان، مردان نیستند چرا که آنان نیز قربانیان استیفای حقوق اجتماعی و گروهی به واسطه سوء مدیریت حاکمیت هستند. بنابراین، جهت عملکرد عموم زنان این دوره تعامل و ارتباط بین سنت‌ها و تجدد به وسیله سازوکارهایی است که مذهب و عرف در اختیار آنان قرار داده است و اتفاقاً به موفقیت‌های قابل توجهی نیز دست می‌یابد. در تصویر کلی از فعالیت‌های فرهنگی زنان در این دوره نیز حضور طبقه خواص در تهیه تدوین کتاب، رساله، مجموعه شعر، سفرنامه و خاطرات مشهود است.

قاجار هنگامی زمام امور کشور را به دست گرفت که از چند دهه پیش از سقوط صفویه آشوب و کشمکش ایران را فراگرفته بود و تا چند دهه پس از استقرار نظام پادشاهی قاجار همچنان استمرار داشت. لذا در چنین شرایطی ثبات تولید، زراعت، تجارت و هر نوع

فعالیت اقتصادی امکان‌پذیر نبود و به تاسی از شرایط اقتصادی، فرهنگ و کتابت و آموزش نیز با وقفه و رکود همراه بود؛ زمانی طولانی سپری شد تا شرایط عمومی کشور پس از یک قرن تنش و بی‌ثباتی، که به صورت مشروح و مکتوب در کتاب‌هایی چون مجمع‌التواریخ، گلشن مراد نیز آمده است، فرسایش یافته و عموم جامعه تن به خواسته‌های اقتدارگرایانه آغامحمدخان قاجار برای ایجاد ثبات در کشور دادند.

در چنین وضعیتی، شکل‌گیری نهادهای فرهنگی از آشوب و کشمکش مستثنی نبود. بنابراین با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوره، بررسی بسترهای فرهنگی به واسطه اینکه بیشتر با نحوه بینش، تفکر و رویکردهای ذهنی فردی و اجتماعی سروکار دارد چندان روشن نیست؛ لذا تلاش شد تا به دو بخش اصلی در این نوشتار در مورد فضای فرهنگی مرتبط با زنان دوره قاجار نگاهی اجمالی شود و روند تحولات فکری آنان مورد کنکاش قرار گیرد، ابتدا روند ایجاد بسترهای آموزش و تحصیل برای زنان، که شکل‌گیری آن بیشتر تابع الزامات اجتماعی، ملی و مذهبی بوده، دوم فعالیت‌هایی که منشأ آن استعدادهای فردی بوده و در بستر پرورشی متناسب رشد کرده و تبدیل به هنرها و مهارت‌هایی چون خوشنویسی، شعر و ادبیات و موسیقی شده است. به نظر می‌رسد در هر دو محور زنان طبقه خواص و عموم زنان حضور داشته‌اند، اگرچه دارای سطوح امکانات متفاوتی بوده‌اند. به نسبت محیط ایران قاجاری، ظرف سنت و مذهب که همه چیز متناسب با این دو اندازه‌گیری می‌شد، گاهی فراتر برای زنان آن دوره نمی‌توان متصور شد و این یعنی تناسب میان "آنچه شد" و "آنچه می‌توانست بشود".

اگرچه بخش قابل توجهی از تغییر در حقوق زنان از سوی خواص در جهت توانمند نمودن زنان برای مقابله با مردان بود، این تقابل خود بیانگر آن است که زنان خود را در موقعیتی نه چندان مطلوب در قیاس با گروه مقابل دانسته و درصدد یکسان‌سازی بودند. نتیجه این تقابل در همیاری‌ها، دگریاری‌ها و خودیاری‌های اجتماعی و فرهنگی انعکاس یافت.

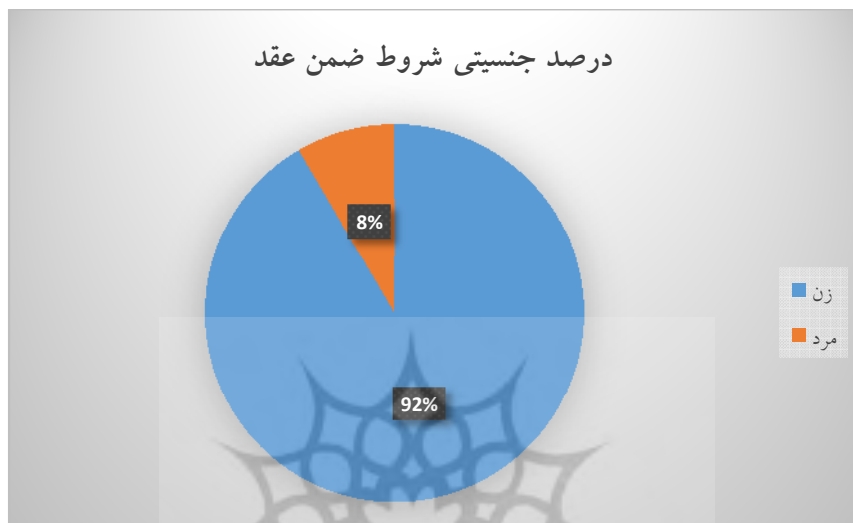
۹. یافته‌های تحقیق

در این تحقیق نیز نکاح نامه‌های عصر قاجار به عنوان محور اصلی بررسی و بازخوانی حقوق زنان این دوره قرار گرفته شده و با روش اسنادی به انجام رسید، در این مقاله به اسناد نکاح نامه‌ها حدود هفتصد و شصت قبالة ازدواج موجود در کتابخانه‌های دولتی و

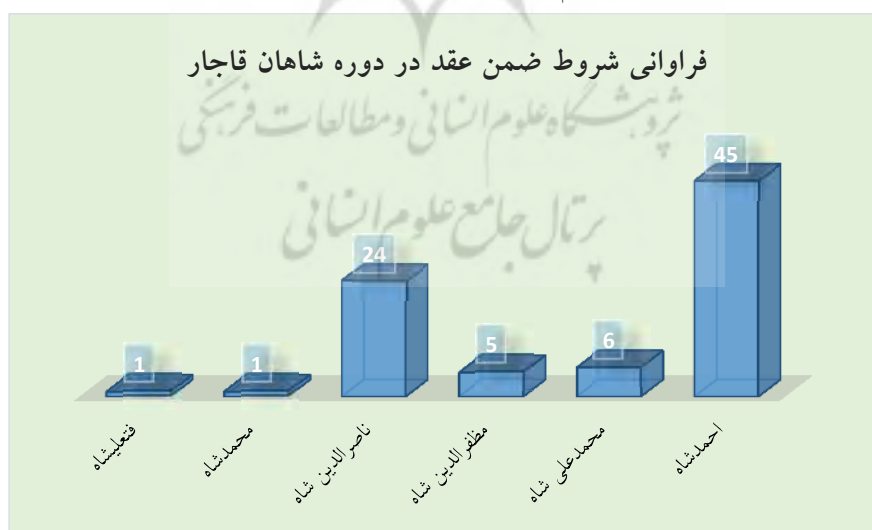
خصوصی چون آستان قدس رضوی، مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی، کتابخانه ملک، مجموعه‌های خصوصی چون مجموعه اسناد در موزه محفوظی مورد بررسی قرار گرفت. تعداد هفتصد و شصت و شصت نام‌های گردآوری و بازخوانی شد که در میان این تعداد، هشتاد و سه شرط با تفاوت‌های محسوسی در میزان انبوهی در هر دوره سلطنت، و همین‌طور تفاوت‌های محتوایی در موضوع شروط ضمن عقد یافت شد. البته مهمترین شکل پیشروی طرح حاضر برای یافتن نکاح‌نامه‌ها و متقاعد ساختن مجموعه‌داران و بررسی مدارک که در انبارها و طبقه بندی نشده بود، دو سال و نیم زمان برد، که این امر در مورد تحقیقاتی که بر پایه اسناد خاص باشد معمول است. نکاح‌نامه‌های پیش از عهد ناصری بسیار محدودتر از دوره‌های متأخر بود لذا تعداد نکاح‌نامه‌هایی که شرط ضمن عقد داشت نیز تابع همان محدودیت شده است. طبقه بندی شروط ضمن عقد هم به لحاظ زمانی و در دوره‌های تاریخی قاجار پرداخته شده است سپس از وجه نوع موضوعات طبقه بندی شد که به شکل آماری ذیلاً آمده است، نمونه‌هایی از شروط ضمن عقد عبارتند از:

- نکاح‌نامه ای در ۱۲۹۸ق، شرایط ضمن عقد مبنی بر اینکه زوجه اگر بخواهد اموالی را که با زوج به صورت نصف به نصف شریک است در معرض خرید و فروش قرار دهد با قیمت عادلانه به تصدیق (کارشناسی) افراد خبره بازوج مصالحه نماید و به دیگری ندهد مگر آنکه زوج اقدام به خرید ننماید (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۵، ۲۴۲).
- نکاح‌نامه بیگم‌خانم و آقاسیدجلال‌الدین، شرط ضمن عقد مبنی بر اینکه زوج زینت‌السادات را از تهران خارج ننماید مگر به اذن و اجازه زوجه (مجموعه کارن، شماره سند 1252A143، ۱۳۴۱ ق).
- نکاح‌نامه رقیه سلطان خانم صبیبه مرضیه و حاجی فرخ و کربلایی صادق ولد کربلایی میرزا، شرط ضمن عقد اختیار سکنی منکوحه با والد او باشد و ناکح مزبور بدون رضایت والد منکوحه او را در دارالخلافت تهران یا جای دیگر سکنی ندهد. (مجموعه خصوصی دکتر محفوظی، ۱۲۹۵ ق).
- نکاح‌نامه حاجیه بیبی خانم و فرج‌الله خان، پشت عقدنامه آمده تا ۱۷ سال اختیار محل زندگی با زوجه است (مجموعه کارن، شماره سند 1252A47، ۱۳۳۷ ق).
- نکاح‌نامه ربابه خانم و حاج حسن، در شروط ضمن عقد آمده که زوج حق جداکردن اطفال زوجه از او را ندارد و زوج به هیچ وجه نمی‌تواند در اموال صغار زوجه تصرفی نماید (مجموعه کارن، شماره سند 1252A45، ۱۳۳۷ ق)

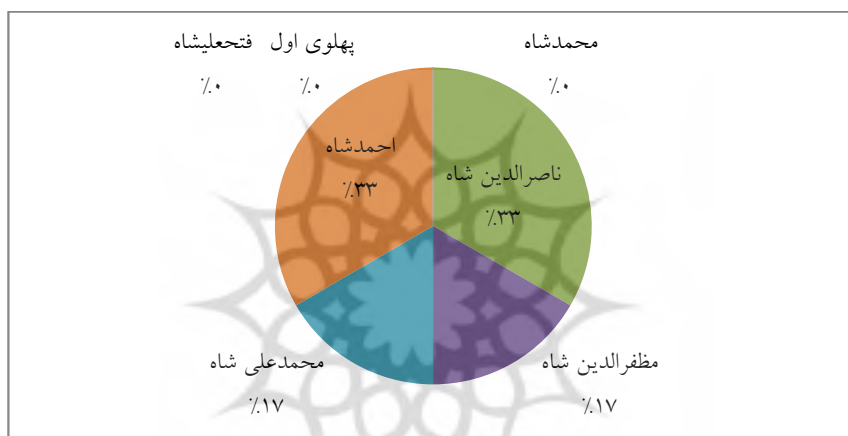
لازم به ذکر است از تعداد هشتاد و سه شرط، ۷ شرط از جانب مرد درج شده و باقی شروط متعلق به زن است که بیشترین آنها در دوره ناصرالدین شاه و احمدشاه متمرکز شده است.



بیشترین شروط به ترتیب در دوره های احمدشاه (۴۵ شرط)، ناصرالدین شاه (۲۴ شرط)، مظفرالدین شاه (۵ شرط) و در دوره محمدعلی شاه (۶ شرط) است و در دو دوره فتحعلی شاه، محمدشاه در هر کدام یک شرط یافت شده است.



لازم به ذکر است پنج شرط نیز پس از انقراض قاجاریان و در دوره پهلوی اول و پادشاهی رضاخان در سالهای ۱۳۴۴ ق، ۱۳۴۶ ق، ۱۳۴۷ ق و ۱۳۴۸ ق در این تحقیق گنجانده شده اند. چراکه اگرچه آغاز سلطنت رضاخان، آغاز بازبینی هویتی ایرانیان و روند نوسازی و نواندیشی در حرکت بود، با این وجود همچنان چالشی میان این فرایند و ارزش های سنتی-دینی قاجار وجود داشت که جامعه فرهنگی ایران آن روز، به ویژه سالهای اولیه سلطنت پهلوی را وام‌دار قاجاریان ساخته بود و حاکمیت تفکر و نحوه بینش جامعه قاجار در این زمان مشهود بود. به همین علت این شروط در زمره شروط عهد قاجاری گنجانده است.



نمودار درصد فراوانی تعداد شروط فرهنگی در دوره قاجار و پهلوی اول

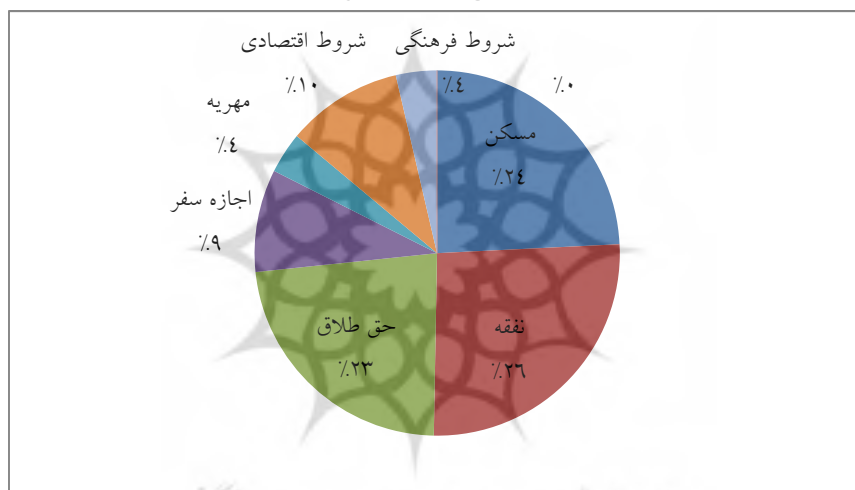
اگرچه به واسطه کمبود اسناد دارای شروط در برخی دوره ها نمی توان نتیجه گیری دقیق از میزان آگاهی زنان نسبت به جایگاه فردی و اجتماعی خود در سطح وسیع داشت، اما همین میزان نشاندهنده تلقی شان از جایگاه خود و تکاپو برای وصول به بایدهای اخلاقی چه به شکل اجتماعی، چه خانوادگی و چه فردی است. اگر از زاویه جنسیتی نیز در این مورد دقت شود استفاده از امکانات مورد پذیرش عمومی برای جریان دادن مفاهیم و خواست ها چون قانون، عدالت و آزادی از طریق حضور در افکار عمومی است.

در هشتاد و سه شرط یافت شده به لحاظ محتوایی شروطی شامل: تأمین مسکن، انتخاب حق مسکن از سوی زوجه، تأمین نفقه و تعیین میزان آنبنا به طبقات اجتماعی، تعیین شرایط و کسب حق طلاق برای زوجه، تعیین شرایط برای دریافت کل مهریه، اجازه

سفر، شروط اقتصادی در خصوص معاملات و اموال زوج یا زوجه، شروط فرهنگی در مورد نحوه رفتار، پایبندی به شرع، حق تحصیل یافت شده است.

از مجموع شروط یافت شده، ۴۸ درصد مربوط به حق مسکن، ۴۸ درصد نفقه، ۴۷ درصد کسب حق طلاق برای زوجه، ۲۰/۲ درصد شروط اقتصادی، ۷/۲ درصد شروط فرهنگی، ۸/۲ درصد درخواست مهریه، ۱۹/۳ درصد کسب اجازه سفر برای زوج از سوی زوجه بوده است.

از مجموع ۶ شرط که از سوی زوج طرح شده است ۵۰ درصد در موضوع اقتصادی، ۳۳ درصد کسب اجازه خروج از منزل از زوج، ۳۳ درصد حق سفر، ۱۶/۶ درصد (یک شرط) درخواست پرستاری از کودکان زوج تا دوره بلوغ.



نمودار درصد موضوعات شروط ضمن عقد عقدنامه های دوره قاجار و پهلوی اول

۱۰. نتیجه گیری

روایت های چندگانه از چگونگی جایگاه زن ایرانی در طول تاریخ وجود دارد، جستجو در یافتن نکاح نامه های دارای شرط ضمن عقد در ظرف زمانی صد و سی ساله قاجار اگرچه نوسانات کمی دارد ولی تصویری واضح از تلاش زنان برای استفاده از باورها، نهادها و چهارچوب هایی که مورد پذیرش عموم است، برای تحقق خواست ها و نیازهایشان، به نمایش می گذارد، همچنین تردیدهایی جدی در خصوص وضعیت زنان در تاریخ نگاری

قاجار را به ذهن متبادر می‌نماید. در بررسی خاستگاه شروط ضمن عقد چند محور اصلی قابل ترسیم است.

در نگاهی اجمالی که به طرز تفکر و بینش زنان در قالب آثار و نوشتارهای فرهنگی و همچنین فعالیت‌هایی که در قالب ضدیت با استبداد و استعمار در این دوره شد محورهای ذیل قابل طرح است:

- از آنجا که شرط ضمن عقد خاستگاه دینی دارد، پذیرش عمومی به همراه دارد. به همین سبب، توزیع فراوانی نکاح نامه‌هایی که دارای شرط ضمن عقد است مبین عمومی و پذیرش عام این قاعده برای تحقق خواست طرفین در زمان تشکیل خانواده است. بر اساس یافته‌ها، از میان هفتصد و شصت نکاح نامه این دوره، هشتاد و سه مورد همراه با شرط ضمن عقد یافت شد. به عبارتی از هر ۹ نکاح نامه یکی دارای شرط ضمن عقد است.

- به نظر می‌رسد توده زنان ایران در طول تاریخ قاجار علاوه بر پایبندی به اصول، اعتقادات و مبانی دینی، دارای جسارت و تهور در تحرکات عمدتاً گروهی و اجتماعی بوده‌اند. انعکاس تحرکات فردی در زمینه احقاق حقوق فردی و خانوادگی را در میان اسناد و مدارک مرتبط چون شروط ضمن عقد در تکاح نامه‌های دوره قاجار به وضوح در توده زنان قابل مشاهده است.

- به نظر می‌رسد از عهد ناصری تا پایان قاجار نگاه به جایگاه زنان در مکتوبات بیش از آنکه به مظالم ناشی از استبداد سیاسی معطوف شده باشد به جدال و چالش جنسیتی و قطبی نمودن جامعه به مرد ظالم و زن مظلوم، کشمکش میان موافقان و مخالفان تغییر زنان معطوف شده است. به خصوص این امر در نوشتارهای زنانی که در طبقه اجتماعی نزدیک به مراکز قدرت بودند تجلی بیشتری دارد.

- در مورد فعالیت‌های سیاسی نقش توده و عموم زنان بسیار مشخص و بارز از طیف درباری است، حتی در جنبش تنباکو که با تحریم گسترده توده زنان را در پی داشت و در تاریخ نگاری‌ها از نقش زنان درباری در اعتراض به شاه سخن بسیار آمده به نظر می‌رسد زنان روستایی که شاه طی گردش و شکار آنان را به همسری گرفته بود چون انیس الدوله، سازمان دهی اعتراض را به عهده داشتند. درحالی‌که اکثر آثار به جای مانده از تلاش زنان طبقات بالای اجتماعی این دوره جهت طرح نیازهای

فردی و یا ابراز قابلیت های زنان بوده و کمتر چالش جنسیتی در آن به چشم می خورد.

- بررسی وضعیت زنان قاجار بیشتر با استناد به زنان از طبقات خاص و درباری صورت گرفته و نقش عموم زنان و به خصوص در زندگی فردی و خانوادگی مغفول مانده است. جامعه شناسی تاریخی می تواند تصویری از دوره های مختلف گذشته در موضوعات گوناگون از بُعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را روشن نماید اما شناخت بینش و نگرش آن جوامع مستلزم مطالعه مجموعه پدیدارهایی است که در برخی برهه های زمانی تکرار شده و بنا به نظریه اسکوپول میان کنش های معنی دار و هدفمند و بسترهای ساختی ارتباط متقابل برقرار و به مرور در شکل، هدف و روش آن تغییراتی بوجود آید همانگونه که کاربردی نمودن شرط ضمن عقد در بازه زمانی قاجار توانست راهی پایدار در جهت کسب حقوق زوجین ایجاد نماید.

در مجموع به نظر می رسد تاریخ نگاری دوره قاجار دارای شکاف های عمیق و چارچوب های تاریک از عدم وضوح جایگاه زنان است و روایت های مبنی بر شرایط منحط و سیاه آن دوران برای آنان شاید با توجه به تصویری که از فعالیت های فرهنگی و سیاسی رفت چندان واقعی نباشد، البته منظور وجود موقعیت مناسب و محیط متوازن برای زنان نیست بلکه به نظر می رسد شرایط سیاسی و اقتصادی چنان گران بر دوش ملت چه زن و چه مرد بار شده بود که نگاه به مشکلات از دریچه جنسیت در اولویت های ابتدایی قرار نمی گرفت و هر دو جنس در موقعیت به نسبت یکنواخت و همسانی به لحاظ فرهنگی و سیاسی به سر می بردند.

پی نوشت

۱. تحرک اجتماعی با پویندگی اجتماعی، حرکت افراد و گروه های بین موقعیت های اجتماعی و اقتصادی مختلف

کتاب نامه

----- ، (۱۳۸۶) ، مروری بر زندگانی علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء: بازسازی و نوگرایی در علوم اسلامی، پگاه حوزه ، شماره ۴۶، ص ۳۲

ابن منظور، (۱۴۰۵)، لسان العرب، نشر أدب الحوزة، ج ۷، ۳۲۹.
احمدی، محمود، (۱۳۵۷)، یک طغری سند ازدواج از دوره مظفرالدین شاه، محمود احمدی، بررسی‌های تاریخی .

استرآبادی، بی بی خانم، (۱۹۹۳ م)، معایب الرجال، در پاسخ به تأدیب النسوان، سوتند: باران، چاپ اول.
اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۵۰)، روزنامه ی خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، خیرات حسان، (۱۳۰۷ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۴ ق)، چاپ سنگی، طهران، بی نا.

آغداشلو، آیدین، (۲۵۳۵)، قباله های ازدواج سده های سیزدهم و چهاردهم هجری قمری، موزه نگارستان .

آفاری، ژانت، (۱۳۷۹)، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
باستانی پاریزی، محمدابراهیم، (۱۳۸۴)، گذار زن از گذار تاریخ، تهران: نشر گلرنگ یکتا
بامداد، بدرالملوک، (۱۳۴۷)، زن ایرانی از انقلاب سفید تا انقلاب مشروطیت، تهران: نشر ابن سینا، ۸۸-
۴۷

بروگش، هینریش، (۱۳۷۳)، سفری به دربار سلطان صاحبقران، محمدحسین کردبچه، تهران: اطلاعات، ۶۰۲.

تاج السلطنه، (۱۳۶۲)، خاطرات تاج السلطنه، کوشش منصوریه اتحادیه و سیروس سعدونیان، چاپ دوم، تهران: نشر تاریخ ایران.

جعفریان، رسول، (۱۳۸۹)، سفرنامه های حج قاجاری (پنجاه سفرنامه)، تهران: علم، ج ۴، ۵ و ۷.
جوادی و دیگران، (۱۳۷۱) رویارویی زن و مرد در عرص قاجار: تأدیب النسوان و معایب الرجال، شیکاگو: کانون پژوهش تاریخ زنان ایران و شرکت جهان
خلعت بری لیماکی، مصطفی (۱۳۸۳) ارزش های نهفته در قباله های ازدواج، فرهنگ و مردم ایران و جهان.

دوبوار، سیمون، (۱۳۵۳)، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، ۱۴.
ذکرگو، امیر حسین (۱۳۸۰) راهکارهایی از شیوه پژوهش و نمایش آثار کاغذی تاریخی (عقدنامه های قاجار)، هنرنامه.

الراغب الأصفهانی، (۱۴۲۷)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، طلیعة النور، ۴۵۰.
رحیمی، سوسن (۱۳۸۳) مهر در قباله های ازدواج دوره قاجار، کتاب ماه هنر.
رستگار، سید محمود (۱۳۵۳)، یک قباله ازدواج گرانبها، هفته نامه وحید.
الزبیدی، (۱۴۱۴ - ۱۹۹۴ م)، تاج العروس، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ج ۱۰، ۱.

سعدونیدیان، سیروس (۱۳۹۰)، خاطرات مونس الدوله، نشر زرین، تهران

سلطان احمد میرزا عضدالدوله، (۱۳۷۵)، تاریخ عضدی، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، ناشر بابک، تهران، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۵.

شوستر، مورگان، (۱۳۳۴)، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن شوشتری، تهران: چاپخانه کاویان.
شهیدی، حمیده (۱۳۸۸)، معرفی یک قبالة نامه ازدواج از دوره افشاریه، دفتر اسناد.
الشیخالصندوق، (۱۴۰۴)، منلایحضرها لفقیه، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامیة لجماعة المدرسین، ج ۳، ۴۲۵.
الشیخالطوسی، (۱۴۱۲)، النهایة ونکتها، قم: مؤسسه النشر الإسلامیة لجماعة المدرسین، ج ۷، ۳۶۹، ج ۲، ۱۸۰.

صوفی، علیرضا، علی‌سام (۱۳۹۵) در ضرورت و اهمیت شناخت اسناد تاریخی: واکاوی عقد نامه های ازدواج عهد قاجار، نشریه پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۸.
طیباتی، حسین، (۱۳۵۳)، سیری در قبالة های ازدواج، هنر و مردم.

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۵)، نگرشی بر مهرنامه های عصر قاجار در بیرجند، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

فراستی، رضا (۱۳۷۲)، پژوهشی در قبالة های ازدواج در دوره قاجاریه، کنگره ایران‌شناسی <http://iras.ir/viewnews.asp?@=1372>,

فریدمن، جین، (۱۳۸۱)، فمینیسیم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: نشر آشیان، ۵-۶.
قائم مقامی، جهانگیر، ۱۳۵۰، مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی، نشر انجمن آثار ملی، ۵-۳.
قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷)، مفردات نهج البلاغه (فارسی)، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر قبله.
کارلا سرنا، (۱۳۶۲)، آدمها و آئین ها در ایران ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، زوار
کراچی، روح انگیز، (۱۳۸۰)، اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه، تهران: دانشگاه تهران.
کنت دو گوینو، (۱۳۶۷)، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، کتابسرا،
کیانی هفت لنگ، کیانوش (۱۳۸۱)، ازدواج و باز تاب آن در قبالة نویسی، فرهنگ و مردم.
گلبن، محمد، (۱۳۷۹)، گلزار خاموش، یادنامه بانو راضیه دانشیان گلبن، همراه با مقالاتی درباره زنان، تهران: رسانش.

لیدی شل، ۱۳۳۸، خاطرات لیدی شل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو
محبوب، الهه (۱۳۸۱)، بازخوانی یک سند تاریخی از اواخر قرن ۱۲ ق، دفتر اسناد.
محمود میرزا، (۱۳۸۵) تذکره نقل مجلس، نصیری، محمد رضا، انتشارات میراث مکتوب، تهران.
متظمی، علی (۱۳۸۴) سیری در قبالة های ازدواج دوره قاجار، پیام بهارستان.
ناهید، عبدالحسین (۱۳۶۰)، زنان ایران در جنبش مشروطه، تبریز: احیا.
هدایت، مهدی تقی خان مخبرالدوله (۱۳۴۴) خاطرات و خطرات توشه ایاز تاریخ شش پادشاه و گوشه ای از دوره زندگی من، نشر زوار، تهران، ۶۵-۶۲.

"کنش‌های معنادار" و "پیامدهای نهان کسب حقوق" ... ۹۱

هنریش بروگش، ۱۳۶۷، سفری به دربار سلطان صاحبقران ترجمه مهندس کردیچه، تهران، نشر اطلاعات.

Skocpol, Theda, *Vision and Method in Historical Sociology*, Cambridge Univ. press, 1984, P.1

Goode, William. J. *the Family*, 2nd Edition, Prentice' Hall India Private Limited, New Dehli, 1989, P. 6&51-52

<http://www.qajarwomen.org/fa/items/1252A143.html>

<http://www.qajarwomen.org/fa/items/1252A145.html>

<http://www.qajarwomen.org/fa/items/1252A147.html>

